

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوم، شماره هشتم، پائیز ۱۳۸۹

ص ص ۴۳ - ۵۶

بررسی رابطه‌ی میزان مصرف رسانه با میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان

مدارس متوسطه‌ی شهر میانه در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۹۲

احد رمضانی^۱

دکتر فیروز راد^۲

دکتر محمد عباس‌زاده^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۶/۹

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه‌ی میزان مصرف رسانه و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر میانه است. تحقیق از نوع کمی با تکنیک پیمایش است و پرسشنامه ابزار گردآوری اطلاعات بوده است. کل جامعه آماری ما ۳۷۰۳ نفر بود که از این تعداد ۳۴۹ نفر به عنوان نمونه آماری به روش تصادفی انتخاب شده‌اند. در این مطالعه، رابطه میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان با برخی از متغیرها مانند میزان مصرف (برنامه شبکه‌های خارجی تلویزیون، سایت‌های اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای)، منطقه‌ی مسکونی و جنسیت معنی‌دار بوده و فرضیات تحقیق در این موارد تأیید شده است. اما رابطه معنی‌داری میان متغیر ملاک و متغیرهای پیش‌بین هم‌چون میزان مصرف (برنامه شبکه‌های داخلی تلویزیون، رادیو، سینما، روزنامه، مجله، کتاب) وجود نداشته است. نتایج به دست آمده حاکی از این است که به ترتیب متغیرهای برنامه شبکه‌های خارجی تلویزیون، سایت‌های اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای، سینما، کتاب) منطقه‌ی مسکونی و جنسیت بیشترین تأثیر را در میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان دارند و بیشترین تغییرات متغیر ملاک را تبیین می‌کنند و بقیه متغیرها از معادله خارج شده‌اند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان با میزان مصرف رسانه ارتباط تنگاتنگی دارد.

واژگان کلیدی: میزان ناهنجاری رفتاری، میزان مصرف رسانه، میانه.

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تبریز- ایران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور؛ صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران- ایران.

E-mail: rad_291@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز- ایران.

مقدمه

برای درک میزان ناهنجاری رفتاری در یک جامعه بهتر است معلوم کنیم که هنجار و میزان ناهنجاری رفتاری چیست؟ هنجار در اصطلاح لاتین به معنای «گونیا» است و به قانون یا قاعده‌ای گفته می‌شود که باید به آن رجوع کرد (بیرو، ۱۳۷۷: ۲۴۸).

در حالی که کژ رفتاری پدیده‌ای است که به طریقی با انتظارات مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۹: ۳۶).

افراد جوان هر جامعه‌ای دست کم به دلیل داشتن شرایط جسمی و روانی خاص بیش از دیگران مستعد عصیان و سرکشی و بعضاً ناهنجاری رفتاری و بزهکاری هستند. رشد سریع اعضا سبب بیداری هوس‌ها و احساسات و رؤیاهای گوناگون می‌گردد و از درون فشارهایی را بر نوجوان یا جوان تحمیل می‌کند که برایش ناشناخته است. این فشارهای ناشناخته، نگرانی‌ها و هیجان‌هایی را در پی دارد که برای وی تاکنون سابقه نداشته است.

در این جهان ساختارهای سلطه هم بیکار نمی‌نشینند و در شکل‌های متنوعی خود را باز تولید می‌کنند. دنیای کنونی وارد یک جنگ رسانه‌ای تمام عیار شده است و سرعت گردش اطلاعات در آن بسیار سرسام‌آور است و هرکس بتواند مدیریت گردش این اطلاعات را به دست بگیرد، به دنیا حاکمیت می‌کند. در حقیقت دردنیای امروز، قدرت نرم حرف اول و آخر را می‌زند. سلاح‌هایی که صاحبان رسانه‌ها علیه جوانان استفاده می‌کنند در خانه‌ی خود جوانان است. اگر نوجوان یا جوان به این نتیجه برسد که خانواده، مدرسه و دوستان به او بی‌توجه هستند، ممکن است واکنش‌های پرخاشگرانه از خود نشان دهد و یا به جامعه بدبین شده و در زمانی که خود را توانا احساس کند، از آن انتقام بگیرد.

بیان مسئله

جستجوی علل پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، طبیعی و غیره، کوشش برای آگاهی از چگونگی وقوع پدیده‌ها، تلاش برای چاره‌جویی و اجتناب از پدیده‌های نامساعد و تشدید امور مطلوب، از تازگی‌های عصر نوین است (شیخوندی، ۱۳۷۹: ۲۷).

پس، هر جا جمعی از انسان‌ها گرد هم می‌آیند برای رفع بهتر و آسان‌تر نیازهای خود از قبیل امنیت، آسایش و سلامت هنجارهایی ساخته‌اند و همه را به تبعیت از آن‌ها فرا خوانده‌اند. مجموعه هنجارها متفاوت و میزان تبعیت افراد و گروه‌ها از این هنجارها متغیر بوده است. در زمان حاضر که برخی هنجار شکنی‌ها از جمله سرقت، ناهنجاری اخلاقی، تقلب و اعتیاد به مواد مخدر از حد معمول و آشنای جامعه فراتر رفته و نرخ فزاینده‌ای است همه جا این سؤال مطرح است که دلیل اصلی این همه ناهنجاری چیست؟ (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۲).

تا قرن بیستم، رهبری و ارشاد انسان رویارو و بر اساس ارتباط بود، در صورتی که در عصر حاضر ارتباطات یک طرفه و از راه دور صورت می‌گیرد. به طوری که بین شنونده و گوینده، یا بهتر بگوییم بین مؤثر و متأثر به طور نسبی فاصله زیادی وجود دارد. برخی معتقدند که رسانه‌های گروهی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه در تاریخ بشر پدید آورند، نسلی که با نسل‌های پیشین بسیار متفاوت است. داشتن سرمایه‌ی فرهنگی بیشتر، که برخلاف سرمایه‌ی اقتصادی، کیفیتی منحصرأ ذهنی است (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

بنابراین نقش و جایگاه مصرف رسانه‌ها در حدی است که نمی‌توان زندگی را بی‌حضور آن‌ها قابل تصور دانست رسانه‌ها فقط وسیله‌ی سرگرمی نیستند، بلکه در بسیاری از جنبه‌های فعالیت اجتماعی و فردی ما دخالت و نقش دارند. هر رسانه‌ای اعم از نوشتاری یا دیداری برای محتوای خاصی تولید می‌شود و مخاطبان خاصی را نیز دارد (تیگرت، ۱۹۷۴: ۲۰۱-۱۷۳).

به نظرگیدنز، کنش‌های روزمره به وسیله خود کنشگران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و تکنولوژی - های رسانه‌ای نیز در این فرآیند دخیل هستند در فرآیند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده قادر به وارد کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر شود. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره‌ی دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره‌ی دیگران (مردمی که هرگز آن‌ها را ندیدیم و نمی‌شناسیم) داریم، تغییر می‌دهند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

ما در این عصر شاهد جهش بی‌سابقه‌ای در تاریخ هستیم. خاستگاه این جهش و خیزش بزرگ را باید در بالندگی شگرف و شتابان علم و فناوری جست. «در این فراشد نوع گسست یا فاصله‌ی بین فرهنگ، یعنی آداب و رسوم، پندار، اعتقادات و شیوه‌ی کنش و واکنش‌ها از یک سو و تکنولوژی از سوی دیگر، پدیدار شده است. در نتیجه انسان در یک وضع نابسامان در یک موقعیت جامعه‌ی متزلزل، پیوسته متغیر، دائماً جوشان و خروشان و پویان، گیر کرده است» (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۷۷).

بنابراین، در این مقاله درصدد دست‌یابی به این پرسش اساسی هستیم، چه رابطه‌ای بین میزان مصرف رسانه و میزان ناهنجاری رفتاری در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر میانه در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ وجود دارد؟

پیشینه نظری

نظریه‌ی مهار^۱

والتر رکلس^۲ در ۱۹۶۱ نظریه‌ی مهار را مطرح کرد. اونپروهایی که افراد را از ارزش‌های مرسوم جامعه باز می‌دارند و آنان را به طرف بی‌نزاکتی سوق می‌دهند عبارتند از:

۱. فشارهای اجتماعی: مثل شرایط فقر، منزلت گروهی پایین، محرومیت و تضادهای خانوادگی.
 ۲. جذبه‌های اجتماعی: که جلوی رفتارهای قابل قبول افراد را می‌گیرد، مثل خرده فرهنگ‌های بزهکار و جنایت‌کار و دوستان بد.
 ۳. فشارهای زیست‌شناسی یا روان‌شناختی: مثل تنش‌های درونی، تنفر و خشونت.
 ۴. شورش ضد اقتدار: که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد و او را به سمت هنجارهای غیرقابل قبول در زندگی هدایت می‌کند.

بنابراین، نظریه مهار ناظر بر دو نوع مهار است یکی مهار درونی^۲ و دیگری مهار بیرونی^۳. مهار بیرونی عبارت است از فشارهایی که جامعه برای کنترل اعضایش به کار می‌برد که شامل فرصت‌های موفقیت، همبستگی بین اعضای گروه، نظارت مؤثر و راه‌ها و وسایل جایگزین برای کسب رضایت می‌شود. شرایطی مثل فقر، نابرابری، بیکاری و محرومیت نسبی افراد را از رسیدن به هدف‌ها باز می‌دارد و احتمال کج‌روی را افزایش می‌دهد.

مهار درونی نیز از ویژگی‌ها و شخصیت فرد نشأت می‌گیرد. اگر عواملی مانند خود پنداره‌ی مثبت، وجدان آگاه، احساس مسئولیت و قدرت تحمل بالا در فردی وجود داشته باشد، احتمال بزهکاری او کاهش می‌یابد؛ برعکس عواملی مثل بی‌قراری، نارضایتی، اضطراب و خصومت احتمال ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. رکلس معتقد است که مهار درونی مهم‌تر از مهار بیرونی است، زیرا افرادی که از وجدان آگاهی برخوردارند، پیش از ارتکاب جرم، احساس گناه می‌کنند و از آن اجتناب می‌ورزند (وینفری و ابادینسکی، ۲۰۰۰: ۲۰۶-۲۰۵).

نظریه‌ی تلفیقی الیوت^۵

دلبرت الیوت و همکارانش ابعاد از نظریه‌ی فشار، نظریه‌ی یادگیری اجتماعی و نظریه‌های کنترل را در مدل نظری منفردی ترکیب می‌کنند. نظریه الیوت را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. نوجوانانی که در مناطق نابسامان اجتماعی زندگی می‌کنند، ۲. به نحو نامناسبی در خانه جامعه‌پذیر شده‌اند، ۳. به میزان زیادی در معرض فشارند، ۴. درک فشار منجر به ضعیف شدن پیوندشان با گروه‌ها، فعالیت‌ها و هنجارهای مرسوم می‌شود، ۵. تضعیف پیوندهای مرسوم و سطح بالای فشار دریافت شده سبب آن می‌شود که بعضی از جوانان ارزش‌های اجتماعی مرسوم را رد کنند، ۶. در جست و جوی پیوستن به گروه‌های همالان منحرف هستند، ۷. این گروه‌های انحرافی، رفتار بزهکارانه را شدیداً تقویت می‌کنند (گروه‌های همالان منحرف الگوهای نقشی را برای رفتار ضداجتماعی فراهم می‌آورند، ۸. پیوستن به گروه‌های منحرف هنگامی رخ می‌دهد که ارتباط با گروه‌ها و هنجارهای مرسوم تضعیف شود؛ این امر به نوبه‌ی خود باعث بروز سطح بالای رفتار بزه‌کارانه و مصرف مواد مخدر می‌شود (حسینی‌نثار و دیگری، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

نظریه‌ی عمومی جرم^۶

این نظریه را تراویس هیرشی و میشل گات فردسون^۷ در سال ۱۹۹۰ در تعدیل و بازسازی نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی مطرح کردند. این نظریه مفاهیم نظریه‌ی کنترل را با دیدگاه‌های زیست اجتماعی، روان‌شناختی، فعالیت‌های روزمره و نظریه‌های انتخاب عقلانی ترکیب می‌کند. هیرشی و گات فردسون معتقدند «جرم موجد ارضای خاطر سریع و آسان فرد کجرفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که به دنبال ارضای خاطر سریع است و هدف‌های کوتاه مدتی در زندگی دارد و این گونه افراد، برخلاف هم‌نویان، خود کنترلی ضعیفی دارند و علاوه بر این که احتمال کج رفتاری‌شان بیشتر است، تمایل بیشتری به مصرف الکل، سیگار و ... نیز دارند. از نظر آنان، منشأ خود کنترلی ضعیف را باید در خانواده و ناکارآمدی جامعه‌پذیری فرد در دوران کودکی یافت، خواه پیوند اجتماعی قوی یا ضعیف باشد (گات فردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷-۹۰).

سه پارادایم کلی استوری

استوری^۸ (۱۹۹۹) در کتاب «مصرف فرهنگی^۹ و زندگی روزمره» مصرف فرهنگی به مثابه‌ی دستکاری را از مصرف فرهنگی به مثابه‌ی ارتباط تمییز داده است و نظریه‌های مختلف مصرف را ذیل دو پارادایم بحث کرده است. در این جا ما به سه پارادایم کلی در باب مطالعات مصرف اشاره می‌کنیم و آنچه بر دیدگاه استوری می‌افزایم رویکرد ابداعی به مصرف است. همان‌طور که گفته شد:

مصرف انفعالی

نظریه‌هایی را شامل می‌شود که مصرف‌کننده را منفعل فرض می‌کنند و مصرف‌کننده رانوعی دستکاری از ناحیه‌ی قدرت می‌پندارند. برای پیگیری ریشه‌های تحلیل فرهنگی مصرف باید به نظریه‌های مارکسیستی به عنوان یکی از اولین تحلیل‌ها اشاره کنیم. از نظر مارکس و انگلس، گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری به معنای گذار از تولید مبتنی بر نیاز به تولید مبتنی بر سود است. تولید کالا توسط کارگران نه برای مصرف شخصی بلکه برای فروش و سود سرمایه‌داری است. «کارگر هر چه بیشتر تولید می‌کند، کمتر صاحب آن می‌شود و بیشتر زیر نفوذ محصول خود یعنی سرمایه قرار می‌گیرد» (مارکس، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

مصرف ارتباطی

دردسته‌ی دوم نگاه به مصرف به‌عنوان رسانه‌ای برای برقراری ارتباط فرض می‌شود. مصرف فرهنگی در این دید نوعی هم‌چشمی، رقابت و ایجاد ارتباط است. مصرف همین‌طور تولیدکننده‌ی معانی اجتماعی است (کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

مصرف ابداعی

در رویکرد سوم، مصرف خود نوعی تولید ثانویه فرض می‌گردد. مصرف‌کننده با کردار مصرف دست به ابداعاتی می‌زند که می‌توان از آن باعنوان «تولید ثانویه» یاد کرد. پس مصرف ابداعی، مصرف تولیدی است. مصرف‌کننده در این‌جا تولیدکننده است.

مصرف کردن از نگاه دوسرتو یعنی «ساختن» و ساختن نیز خود نوعی تولید پنهان است. این نوع تولید که مصرف‌کننده می‌آفریند حول قلمروهایی که به واسطه نظام‌های تولید (مثلاً تلویزیون و توسعه شهری و ...) تعریف و محدود شده‌اند پراکنده است (دوسرتو، ۱۹۹۸: ۴۸۴).

نظریه ژان بودریار

ژان بودریار^۱ معروف‌ترین و جنجالی‌ترین نظریه‌پرداز پست‌مدرنیته است. وی استدلال می‌کند که جوامع پست مدرن از تکنولوژی‌های اطلاعات اشباع به عصر وانمایی (شبیه‌سازی) وارد شده‌اند. به نظر بودریار، طلیعه فرهنگ‌های مصرف اساساً مرزبندی‌های معمول بین هنر والا و هنر نازل، امور عمیق و امور سطحی، فرهنگ و کالا، دال و مدلول و نفس ایده نیازهای انسانی را برای برآورده ساختن آن‌ها در ورطه تردید افکنده است. ولی از طریق تحلیلی که رویکرد پسا صنعتی آشکارتری به خود گرفته است، استدلال می‌کند که روابط واقعی تولید و مصرف، جای خود را به یک نظام نشانه‌ای داده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۷۷-۲۷۶).

در پژوهش حاضر، ما با دومفهوم اساسی میزان ناهنجاری رفتاری و میزان مصرف رسانه سروکار داریم. برای فهمیدن میزان ناهنجاری رفتاری باید معنای ناهنجاری رفتاری را از بین ادبیات نظری پیدا کنیم، چنان‌که در بخش ادبیات نظری گذشت، در دوره قدیم و قبل از رواج یافتن تفکر علمی، ناهنجاری رفتاری امری ذاتی و سرشتی تلقی می‌شد و متفکران قدیم معتقد بودند افراد همان‌طور که خصوصیات جسمانی مثل رنگ مو، چشم و غیره را از والدین خود به ارث می‌برند، به همان ترتیب رفتارهای خود را نیز از والدین دریافت می‌کند. این تفکر سنتی با آغاز مطالعات علمی و بررسی‌های گوناگون در این زمینه از ابتدا مورد توجه بشر بوده است. اندیشمندان و متفکران اجتماعی بعد از گذشت زمان به منظور اصلاح و پیشگیری، ناهنجاری رفتاری را بیش از پیش مورد بحث و بررسی قرار دادند. اگر نیک بنگریم در عصر ما تحقیقات و بررسی‌ها در زمینه ناهنجاری رفتاری مورد بحث دانشمندان رشته‌های مختلف است. از نظر دورکیم ناهنجاری رفتاری یک پدیده عادی جامعه محسوب می‌شود. تنها بهنگامی که تعداد ناهنجاری رفتاری از یک نسبت معین تجاوز می‌کند می‌توان گفت که «اخلاق» جامعه متزلزل شده، یک بیماری جامعه‌ی پدید آمده است و آن وقت پدیده مربوط را می‌توان «غیرعادی» تلقی کرد. از نظر مرتن دلیل ناهنجاری رفتاری، درون افراد وجود ندارد، بلکه در تناقضات ساختار اجتماعی و فرهنگی (هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند) است. از نظر آلبرت کوهن ناهنجاری رفتاری جوانان طبقه‌ی

پایین در واقع اعتراض علیه هنجارها و ارزش‌های فرهنگ طبقه‌ی متوسط است، زیرا شرایط اجتماعی آنان را از رسیدن قانونی‌شان به موفقیت جلوگیری می‌کند. جوانان طبقه‌ی پایین شکلی از فرهنگ تضاد را تجربه می‌کنند که کوهن آن‌را «ناکامی منزلتی» می‌نامد. از نظر ادوین سادرلند ناهنجاری رفتاری همانند رفتارهای دیگر از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه‌اند، آموخته می‌شود. از نظر والتر رکلس شرایطی مثل فقر، نابرابری، بیکاری و محرومیت نسبی افراد را از رسیدن به هدف‌ها باز می‌دارد و احتمال میزان ناهنجاری رفتاری را افزایش می‌دهد. از نظر تراویس هیرشی هر چه افراد کمتر وابسته، متعهد، مشغول و معتقد باشند پیوندشان با جامعه سست‌تر است و احتمال ناهنجاری رفتاری‌شان بیشتر خواهد بود.

بنابراین در بحث میزان ناهنجاری رفتاری، ناهنجاری رفتاری مطروحه در این تحقیق را با پشتوانه‌ی نظری این اندیشمندان بررسی می‌کنیم اما تأکید اصلی نظریه‌ی تلفیقی الیوت، نظریه عمومی جرم و نظریه مهار می‌باشد اما از سایر نظریه‌پردازان نیز مثل دورکیم، مرتن، کوهن، سادرلند و هیرشی استفاده می‌کنیم. بنابراین در بحث و تحلیل میزان ناهنجاری رفتاری با تأکید اصلی بر نظریه‌ی تلفیقی الیوت، نظریه عمومی جرم و نظریه مهار سعی می‌شود به تمام جنبه‌های میزان ناهنجاری رفتاری توجه شود. اما در بحث رسانه‌ها و تأثیر آن‌ها در جوامع امروزی نظریات زیادی مطرح شده است مثلاً استوری سه پارادایم کلی در باب مصرف رسانه (مصرف انفعالی، ارتباطی و ابداعی) اشاره می‌کند. از نظر فیسک در جوامع سرمایه‌داری متأخر، هر شخصی مصرف‌کننده است. مصرف تنها شیوه‌ی کسب منبع برای زندگی است. مصرف کردن از نگاه دوسرتو یعنی «ساختن» و ساختن نیز خود نوعی تولید پنهان است. این نوع تولید که مصرف‌کننده می‌آفریند حول قلمروهایی که به واسطه نظام‌های تولید (مثلاً تلویزیون و توسعه شهری و ...) تعریف و محدود شده‌اند پراکنده است. همین گسترش بی‌رویه و روز افزون نظام‌های تولید است که مانع می‌شود مصرف‌کننده آزادانه تولیدات این نظام‌ها را به کار گیرد و آن گونه که خود می‌خواهد با آن رفتار کند. این تولید که ما آن را با عنوان «مصرف» می‌شناسیم فریب‌کارانه عمل می‌کند «چرا که به پراکنده بودن، خودش را همه جا به طور ضمنی نشان می‌دهد. خاموش و نامرئی است به این دلیل که به واسطه محصولاتش آشکار نمی‌شود بلکه بیشتر از طریق «شیوه‌های کاربرد» محصولاتی که به واسطه نظم اقتصادی مسلط تحمیل می‌شود خود را به نمایش می‌گذارد». ژان بودریار به نقش تکنولوژی رسانه‌ها در ایجاد نشانه‌ها و ساختن «فرا واقعیت» تأکید دارد. به نظر او فرا واقعیت نتیجه کاربرد تکنولوژی‌های پیشرفته و رمزگذاری‌هاست. رمزها امکان بازتولید پدیده‌ها را همزمان با نادیده گرفتن واقعیت فراهم می‌کنند، علاوه بر این رسانه‌ها و نرم افزارهای کامپیوتری، نظام آنالوگی را بر پا می‌کنند که از معروف‌ترین عوامل ایجاد فرا واقعیت‌ها هستند. برای مثال جنگ خلیج فارس، فرا واقعیتی بود که توسط رسانه‌ها و برنامه‌ریزی‌های کامپیوتری ترتیب داده شده بود. از نظر بودریار، هر انسانی شبیه یک فضانورد در داخل کپسول، در کنترل یک ماهواره کوچک در مدار است و نه به عنوان کنشگر. انسان همانند یک پایانه شبکه-

های چندگانه زندگی می‌کند. تلویزیون عالی‌ترین تجسم این رخداد است و هر چیزی را از یک قالب دور کنترل می‌کند.

حال با این توضیحات اگر بخواهیم چارچوب نظری اصلی پژوهش را طرح کنیم باید بگوییم این پژوهش ضمن اثرپذیری از نظریات اندیشمندان و جامعه‌شناسانی چون دورکیم، مرتن، کوهن، سادرلند و هیرشی در مورد میزان ناهنجاری رفتاری در چارچوب نظری تأکید بیشتر بر نظریات نظریه‌ی تلفیقی الیوت، نظریه عمومی جرم و نظریه مهارمی باشد؛ و در زمینه میزان مصرف رسانه از نظریات و پارادایم‌های مطرح شده تأثیر می‌پذیرد و سعی دارد به بررسی رابطه بین میزان مصرف رسانه و میزان ناهنجاری رفتاری بپردازد تا با به تجربه گذاشتن نظرات دو حوزه متفاوت مطرح در مورد رسانه‌ها در یک جامعه‌ای به نام دانش‌آموزان و قلمرو مکانی شهر میانه، مشخص نماید که کدام گروه از نظریات میزان مصرف رسانه، در این فضا قدرت تحلیل بهتری دارند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین میزان مصرف تلویزیون و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان مصرف ماهواره و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان مصرف اینترنت و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان مصرف بازی‌های رایانه‌ای و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان مصرف رادیو و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان مصرف سینما و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۷. بین میزان مصرف روزنامه و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۸. بین میزان مصرف مجله و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۹. بین میزان مصرف کتاب با میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۱۰. میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان بر حسب منطقه‌ی مسکونی آن‌ها متفاوت است.
۱۱. میزان ناهنجاری دانش‌آموزان بر حسب جنسیت آن‌ها متفاوت است.

روش تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه

تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی است. روش اجرای تحقیق از نوع کمی با تکنیک پیمایش است که در طبقه‌ی تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. این تحقیق شامل یک متغیرملاک (میزان ناهنجاری رفتاری) و چندین متغیر پیش‌بین است. هم‌چنین از لحاظ زمانی نیز مقطعی است. جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستان‌های متوسطه شهر میانه در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ می‌باشد. مجموع دانش‌آموزانی که جامعه آماری ما را تشکیل می‌دهند ۳۷۰۳ نفر می‌باشد که از این تعداد

۱۸۰۰ نفر پسر و ۱۹۰۳ نفر دختر می‌باشند. روش نمونه‌گیری تحقیق نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای - تصادفی می‌باشد که از بین دانش‌آموزان دختر و پسر انتخاب شده است. در این پژوهش حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۴۹ نفر به عنوان نمونه برای تکمیل پرسشنامه محاسبه گردید. هم‌چنین برای تعیین واحدهای نمونه از هر گروه از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS نسخه‌ی ۱۹ استفاده شد. روش‌های آماری مورد استفاده در سطح توصیفی و استنباطی می‌باشد. از آمارهای توصیفی مثل فراوانی و میانگین برای طبقه‌بندی، توصیف داده‌ها و رسم نمودارها استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها و تعیین سطوح معنی‌داری متغیرهای پیش‌بین بامتغیر ملاک از آمارهای استنباطی استفاده شد. از آن‌جا که متغیر وابسته یعنی میزان ناهنجاری رفتاری در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته، برای بررسی رابطه بین متغیر ملاک با متغیرهای پیش‌بین در سطح سنجش فاصله‌ای از ضریب همبستگی پیرسون، در سطح سنجش اسمی دوگانه از آزمون T و در سطح اسمی چندگانه از تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

خلاصه یافته‌ها

همان‌طور که ذکر شد، از کل نمونه مورد بررسی یعنی ۳۴۹ نفر دانش‌آموز، ۵۱/۳ درصد دانش‌آموز دختر و ۴۸/۷ درصد دانش‌آموز پسر هستند. محل سکونت ۱۰/۶ درصد روستایی و ۸۹/۴ درصد شهری هستند. از شهرنشین‌ها ۳۴/۴ درصد در منطقه بالا، ۳۴/۱ درصد در منطقه متوسط و ۳۱/۵ درصد در منطقه پایین سکونت دارند.

میانگین میزان مصرف تلویزیون برابر ۳/۴۴، کمترین مقدار برابر ۱/۱۵ و بیشترین مقدار برابر ۵/۶۲ است. میانگین میزان مصرف ماهواره برابر ۲/۷۳، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار برابر ۶ است. میانگین میزان مصرف اینترنت برابر ۲/۲۸، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار برابر ۵/۷۱ است. میانگین میزان مصرف بازی‌های رایانه‌ای برابر ۳/۴۴، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار برابر ۶ است. میانگین میزان مصرف رادیو برابر ۲/۰، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار برابر ۵/۰۸ است. میانگین میزان مصرف سینما برابر ۳/۵۳، کمترین مقدار برابر ۱/۲ و بیشترین مقدار برابر ۵/۴ است. میانگین میزان مصرف روزنامه برابر ۲/۶۰، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار برابر ۵/۸۹ است. میانگین میزان مصرف مجله برابر ۲/۶۹، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار برابر ۵/۹ است. میانگین میزان مصرف کتاب برابر ۳/۲۲، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار برابر ۵/۶۷ است. میانگین میزان وقت صرف شده والدین برای فرزندان برابر ۲/۷۲، کمترین مقدار برابر ۱ و بیشترین مقدار

برابر ۵/۷۵ است. براین مبناء، در فرضیه‌های (۱)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸) و (۹) با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. یعنی بین میزان مصرف شبکه‌های داخلی تلویزیون، رادیو، سینما، روزنامه، مجله، کتاب و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ولی فرضیه‌های (۲)، (۳) و (۴) با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری آزمون پیرسون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. یعنی بین میزان مصرف شبکه‌های خارجی تلویزیون، سایت‌های اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این میان فرضیه‌های (۱۰) و (۱۱) با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون آنالیز واریانس، آزمون t و آزمون پیرسون سطح معنی‌داری آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. یعنی بین منطقه مسکونی، جنسیت و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD برای فرضیه (۱۰) نشان می‌دهد که میزان ناهنجاری رفتاری در منطقه مسکونی پایین‌تر از منطقه متوسط و بالا است. میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان پسر به طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزان دختر است. به هر صورت، میانگین میزان ناهنجاری رفتاری برابر ۲/۲۲، کمترین مقدار برابر ۱/۱۶ و بیشترین مقدار برابر ۳/۷۷ است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که از عنوان برمی‌آید، این پژوهش سعی کرد رابطه بین میزان مصرف رسانه بامیزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان را با پشتوانه‌ی نظریات مطرح در دو حوزه به محک تجربه بگذارد. از نظر ادوین سادرلند ناهنجاری رفتاری همانند رفتارهای دیگر از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه‌اند، آموخته می‌شود. از نظر والتر رکلس شرایطی مثل فقر، نابرابری، بیکاری و محرومیت نسبی افراد را از رسیدن به هدف‌ها باز می‌دارد و احتمال میزان ناهنجاری رفتاری را افزایش می‌دهد. از نظر تراویس هیرشی هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، مشغول و معتقد باشند پیوندشان با جامعه سست‌تر است و احتمال ناهنجاری رفتاری‌شان بیشتر خواهد بود. از نظر فیسک درجوامع سرمایه‌داری متأخر، هر شخصی مصرف‌کننده است. مصرف تنها شیوه‌ی کسب منبع برای زندگی است. مصرف کردن از نگاه دوسرتو یعنی «ساختن» و ساختن نیز خود نوعی تولید پنهان است. این نوع تولید که مصرف‌کننده می‌آفریند حول قلمروهایی که به واسطه نظام‌های تولید (مثلاً تلویزیون و توسعه شهری و ...) تعریف و محدود شده‌اند پراکنده است. همین گسترش بی‌رویه و روز افزون نظام‌های تولید است که مانع می‌شود مصرف‌کننده آزادانه تولیدات این نظام‌ها را به کار گیرد و آن گونه که خود می‌خواهد با آن رفتار کند. این تولید که ما آن را با عنوان «مصرف» می‌شناسیم فریب‌کارانه عمل می‌کند «چرا که به پراکنده بودن، خودش را همه جا به طور ضمنی نشان می‌دهد. خاموش و نامرئی است به این دلیل که به واسطه محصولاتش آشکار نمی‌شود بلکه بیشتر از طریق «شیوه‌های کاربرد» محصولاتش که به واسطه نظم اقتصادی مسلط تحمیل

می‌شود خود را به نمایش می‌گذارد». ژان بودریار به نقش تکنولوژی رسانه‌ها در ایجاد نشانه‌ها و ساختن «فرا واقعیت» تأکید دارد. به نظر او فرا واقعیت نتیجه کاربرد تکنولوژی‌های پیشرفته و رمزگذاری‌هاست. رمزها امکان بازتولید پدیده‌ها را همزمان با نادیده گرفتن واقعیت فراهم می‌کنند، علاوه بر این رسانه‌ها و نرم افزارهای کامپیوتری، نظام آنالوگی را بر پا می‌کنند که از معروف‌ترین عوامل ایجاد فرا واقعیت‌ها هستند. برای مثال جنگ خلیج فارس، فرا واقعیتی بود که توسط رسانه‌ها و برنامه‌ریزی‌های کامپیوتری ترتیب داده شده بود. از نظر بودریار، هر انسانی شبیه یک فضانورد در داخل کپسول، در کنترل یک ماهواره کوچک در مدار است و نه به عنوان کنشگر. انسان همانند یک پایانه شبکه‌های چندگانه زندگی می‌کند. تلویزیون عالی‌ترین تجسم این رخداد است و هر چیزی را از یک قالب دور کنترل می‌کند. به نظر مک کوئیل، «نهاد رسانه به کار تولید، بازتولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نمادهایی یا مرجع‌هایی معنی‌دار و قابل تجربه در جهان اجتماعی اشتغال دارد. این معرفت ما را توانا می‌سازد تا به تجربه خود معنا ببخشیم، به دریافت‌های ما از این تجربه نظم و نسق می‌دهد و ما را یاری می‌کند تا معرفت‌های گذشته را محفوظ نگه داریم. به درک امروزین خود استمرار بخشیم». والد‌ها از فرار بودن محتوای ارتباطی صحبت می‌کنند، عاملی که احتمال تأثیر ارتباطات را کاهش می‌دهد به این ترتیب که اثرات دراز مدت بیش از اثرات کوتاه مدت مورد توجه قرار می‌گیرد. حتی کلاپر معتقد است اگر یک پیام به طور طولانی مدت استفاده شود تأثیر آن بیشتر است. از نظر هایبرت وسایل ارتباط جمعی نقش بسیار مهمی در ارائه و شکل‌گیری عقاید و همچنین آشنا ساختن ما با دنیایی که امکان آن را به نوع دیگری نداریم ایفا می‌کند. لاسول جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز ارتباطی امریکایی معتقد است رسانه‌ها در حکم انتقال‌دهنده فرهنگ برای انتقال اطلاعات، ارزش‌ها و هنجارها از یک نسل به نسل دیگر و از افراد جامعه به تازه واردها، کاربرد دارند. بوردیو با طرح ایده «سرمایه نمادین» و «خشونت نمادین» به طور ضمنی جایگاه بسیار برجسته‌ای را برای رسانه در نظر می‌گیرد؛ زیرا رسانه‌های ارتباط جمعی ابزار مهمی برای ایجاد سرمایه نمادین و یا اعمال چنین خشونت‌هایی هستند. به نظر می‌رسد رسانه‌ها در اعمال خشونت نمادین (قدرت نرم) نقش مهمی دارند. بر مبنای مختصات چارچوب تئوریک، نتایج به دست آمده از فرضیه‌ها به شرح ذیل است:

۱. بین میزان مصرف تلویزیون و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۰۹۸ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۶۷ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است فرض مستقل بودن متغیرها رد نمی‌شود. یعنی بین میزان مصرف تلویزیون و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. دلیل عمده تبعیت از آداب دینی و اخلاقی در چارچوب شریعت و مصالح ملی، انتقادپذیری و احترام بر مطالعه‌های نقادانه غیرمغرضانه و استدلال طلبی و حق محوری مدیران ارجمند رسانه ملی است.

۲. بین میزان مصرف ماهواره و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/۲۴۸$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/۰۰۰$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون کمتر از $0/۰۵$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد می‌شود. یعنی بین میزان مصرف ماهواره و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. جان فوت معتقد است؛ چگونه تغییرات در محیط می‌تواند بر مصرف و مشارکت فرهنگی تأثیر گذارد و مخاطبان آثار فرهنگی را به گروه‌های متعدد تقسیم نماید. بنابراین پیشاپیش خلاء در تحقیقات نوین فرهنگی، دسته‌بندی‌های اجتماعی در سایه اقتصاد، تبلیغات زیباشناختی، میزان وقت صرف شده والدین برای فرزندان و انفعال مصرف‌کنندگان را به طور خاص مورد توجه قرار می‌دهیم.

۳. بین میزان مصرف اینترنت و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/۴۱$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/۰۰۰$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون کمتر از $0/۰۵$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد می‌شود. یعنی بین میزان مصرف اینترنت و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد.

۴. بین میزان مصرف بازی‌های رایانه‌ای و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/۳۵۳$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/۰۰۰$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون کمتر از $0/۰۵$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد می‌شود. یعنی بین میزان مصرف بازی‌های رایانه‌ای و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد.

۵. بین میزان مصرف رادیو و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/۰۸۸$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/۱$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگ‌تر از $0/۰۵$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد نمی‌شود. یعنی بین میزان مصرف رادیو و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی از یک سو و ضعف امواج ارسال شده در برخی مناطق و کاهش تمایل به رادیو دلیل معنی دار نبودن این فرضیه است.

۶. بین میزان مصرف سینما و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/۰۸۱$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/۱۳$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگ‌تر از $0/۰۵$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد نمی‌شود. یعنی بین میزان مصرف سینما و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. برخی دلایل بحران تعطیلی سالن‌های سینما به خاطر عوارض بالا از یک طرف و عدم اشغال

سندلی‌ها از جانب مخاطب به خاطر هزینه بلیط‌ها، ساخت فیلم مطابق میل خارجی‌ها صرفاً جهت کسب جایزه و شهرت، چند منظوره شدن برخی سینماها، بی‌محتوایی و اعطای نقش بر کسانی که حنای بازیگری (غیر متخصص) را یدک می‌کشند در فیلم‌های اکران شده بر پرده سینماها، پیشرفت تکنولوژی-های ارتباطی، تمایل بر رفتار احساسی در برهه‌های زمانی خاص و عدم جذابیت تیزرهای تبلیغاتی سر در سینماها در چارچوب فرهنگ، نبود اتاق فکر تحت نظر وزارت ارشاد برای کارگردان، تهیه کننده و سیمینادار متخصص در این زمینه است.

۷. بین میزان مصرف روزنامه و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد، ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/022$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/686$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگ‌تر از $0/05$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد نمی‌شود. یعنی بین میزان مصرف روزنامه و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

۸. بین میزان مصرف مجله و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد، ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/003$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/961$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگ‌تر از $0/05$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد نمی‌شود. یعنی بین میزان مصرف مجله و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

۹. بین میزان مصرف کتاب با میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد، نشان دهنده‌ی عدم رابطه بین دو متغیر می‌باشد؛ ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/1-$ و سطح معنی‌داری آزمون $0/061$ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگ‌تر از $0/05$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد نمی‌شود. یعنی بین میزان مصرف کتاب و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

۱۰. بین منطقه‌ی مسکونی و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایجی که در تحقیق به دست آمد سطح معنی‌داری آنالیز واریانس برابر $0/043$ است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون که کمتر از $0/05$ است فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه بین منطقه مسکونی و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد که میزان ناهنجاری رفتاری در منطقه مسکونی پایین‌تر از منطقه متوسط و بالا است.

۱۱. میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان بر حسب جنسیت آن‌ها متفاوت است. با توجه به نتایج میانگین میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان پسر برابر $2/45$ و دانش‌آموزان دختر برابر $2/0$ و سطح معنی‌داری برابر $0/000$ است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون t که کمتر از $0/05$ است فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان پسر به طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزان دختر است.

زیر نویس‌ها

- | | | | |
|-------------------------------|--------------------|------------------------|----------------------|
| 1. Containment Theory | 2. Walter Reckless | 3. Inner Containment | 4. Outer Containment |
| 5. Elliotts Integrated Theory | 6. General Theory | 7. Michael Gottfredson | 8. John Storey |
| 9. Cultural Consumption | 10. J. Baudrillard | | |

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۷). *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*. شیراز: انتشارات رز.
- احمدی، ح. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی انحراف*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها - انتشارات سمت.
- بهرامی کبیل، ن. (۱۳۸۸). *نظریه رسانه‌ها، جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات کویر.
- جعفری‌نیا، غ. (۱۳۸۸). رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی با سرمایه اجتماعی سرپرستان خانوار در شهر خورموج. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال دهم، شماره ۳۸.
- جهانگیر، م. (۱۳۷۹). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر دوران.
- حسینی‌نثار، م؛ و دیگری. (۱۳۹۰). *نظریه‌های انحراف اجتماعی*. تهران: پژوهاک.
- دان، ر. ج. (۱۳۸۵). *نقد اجتماعی پست مدرنیته: بحران‌های هویت*. ترجمه‌ی: صالح نجفی، تهران: انتشارات پردیس دانش.
- ستوده، ه. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: انتشارات آوای نور.
- ستوده، ه؛ و دیگری. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*. تهران: نشر ندای آریانا. چاپ دوم.
- شیخاوندی، د. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی*. مشهد: نشر مرنديز.
- شیخاوندی، د. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی ایران*. تهران: نشر قطره.
- صدیقی‌سروستانی، ر. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی، ص. (۱۳۷۸). *نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی*. تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ اول.
- قاسمیان، ر. (۱۳۸۸). *رسانه‌های گروهی - نوع‌آوری*. تهران: مهر نیوشا.
- گروسین، ر؛ و دیگری. (۱۳۸۸). *منطق تحول رسانه‌ای*. ترجمه‌ی: رحیم قاسمیان. تهران: مهر نیوشا.
- گیببیز، ج. آ. ب. (۱۳۸۹). *سیاست پست مدرنیته*. ترجمه‌ی: منصور انصاری. تهران: گام نو.
- گیدنز، آ. (۱۳۶۷). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. ترجمه‌ی: منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مارکس، ک. (۱۳۸۲). *دست‌نویس‌های اقتصادی و فلسفی*. ترجمه‌ی: حسن مرتضوی. تهران: نشر آگاه.
- محسنی، م. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جامعه‌ی اطلاعاتی*. تهران: نشر دیدار.
- معمدنژاد، ک. (۱۳۵۵). *وسایل ارتباط جمعی*. تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- مهدی‌زاده، س. م. (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: انتشارات همشهری.
- De Certeau M. (1998). *The Practice of Everyday Life*. in John Storey, *Cultural Theory and Popular Culture*, London: Prentice Hall.
- Gottfredson. Michael R, Hirschi.Travis. (1990). *A General theory of crime*. standford,CA: Stanford, university press.
- Hagan, John and Bill.Ms carthy. (1992). *Street Life and delinquency*. British journal sociology, 43, n4, PP.533-562.
- Hagan, John. (1988). *Modern Criminology*. New York: Mc Graw-Hill.
- Knulst, wim. Anderias van den Broek. (2003). *Lifestyle and Consumption: Consequences of Stratification*. Poetics31,p 213-233,internet .
- Storey, John. (1999). *Cultural Consumption and Everyday Life*. Oxford. University press.
- Tigert, Douglas.J. (1974). *Lifestyle Analysis as a Basis for media*. in Life Style and psychographics, American Marketing Assouiation, PP.167-181.
- Winfree. L. Thomas, Abadinsky, Howard. (2003). *Under standing crime: theory and practice*. USA. Wadsworth.